

چهارشنبه ۲۸ / ۱۰ / ۱۴۰۱ جلسه ۶۶

موضوع: فقه شعائر / بررسی مصادیق شعائر / تشریع اذان

کلام ما در یکی از شعارها بنام حی علی خیر العمل بود که به مناسب مقدمه ای بر آن بیان می‌کنیم که تشریع اذان چه زمانی بوده است؛ زمانی جبرئیل در بیت المعمور اذان و اقامه گفت در زمین هم سر پیامبر اکرم در دامن امیر المومنین علیه السلام بود که جبرئیل اذان و اقامه را گفت و حضرت فرمودند علی جان شنیدی؟ و امیر المومنین بله گفتند و حفظ کرده بودند و بلال را آموزش دادند و معلم بلال هم امیر المومنین علیه السلام بودند. این دو خصوصیت اذان در مدارک شیعه.

مدارک اهل سنت مختلف است؛ اولاً معمولاً با رؤیا است، برای چه کسی حاصل شده است در چه زمانی حاصل شده و چه کسانی موقع حصول بودند و الی ما شاء الله.

نقد کلمات اهل سنت**اول**

این ادعاها با شخصیت پیامبر ملائم و سازگار نیست؛ چون پیامبر برای اقامه نماز مبعوث شدند و معنی ندارد که پیامبر به قول برخی روایات بیست روز متحیر باشند و بعد پیامبری که خداوند فرموده است، علمک ما لم تکن تعلم است و کان فضل الله علیک عظیماً است، و پیامبر برای اذان و اقامه بمانند و فردی از روی خواب معلم پیامبر شود؟ و حضرت ادعا کنند قبلاً در خواب دیده بودند؟ و با جایگاه پیامبر منافات دارد

دوم

صلاة و صیام از اموری هستند که کاملاً تعبدی و مخترعات شرعیه هستند و ماهیت شرعی دارند لذا در ماهیات شرعیه باید منتظر شارع مقدس باشیم که به مبلغ وحی برسد لذا بدیهی است، بله در بحث قتال و امور عرفیه می‌شود مشاوره کرد، حال آنکه در همان محل هم فاذا عزمتم فتوکل علی الله است و در امور عبادی حیران بودن پیامبر معنایی ندارد و با مقام پیامبر سازگار نیست.

بقول آیت الله سبحانی: در الانصاف فی مسائل دام فیها الخلاف صفحه ۱۳۶؛ چنین ادعایی وهن دین است.

سوم

از جهت ماهیت و جوهر تعارض دارند و مفاد این احادیث با هم ناسازگاری دارد اگر مسلم بوده است باید نقلها واحد باشد و اختلاف دال بر مشکل نقل است (انواع آن قابل جمع نیست)

بیان عدم وجه جمع؛

روایت ابی داوود؛ عمر رای الاذان قبل عبد الله بن زید بعشرین یوما

روایت ابن ماجه؛ در همان شبی که عبد الله بن زید خواب دید عمر هم خواب دید و این خواب عمر یک شب بوده و عملاً کدامیک بوده است؟

روایای عبد الله بن زید مبدا تشریع بوده و عمر وقتی شنید اقرار به خواب آن کرد و بعد استحيائاً عن رسول الله خواب خود را نقل نکرده است.

چهارم

مبدأ تشریع اذان را برخی خود عمر می‌دانند

ترمذی: كان المسلمون حين قدموا على المدينة... اتخذوا قرناً مثل قرن اليهود فقال عمر بن خطاب لا تبعثون رجلاً ينادي بالصلاة فقال رسول الله يا بلال قم و ناد بالصلاة ای الاذان و مشرع را عمر می‌دانند. نسائی و بیهقی هم این را بیان کردند. در برخی از تعبیر آمده است که مبدأ تشریع پیامبر بوده است.

پنجم

ان عمر كان هازلاً عند نقل عبد الله بن زید رؤیاه للنبی و در برخی گفته اند وقتی عبد الله بن زید روایای خود را برای پیامبر نقل می‌کرد عمر همانجا حاضر بود و در حدیثی عمر غایب بود و دید اذان در حال گفته شدن است و عبد الله بن زید قبلاً روایای خود را برای پیامبر نقل کرده است و عمر هم ادعا کرد چنین خوابی را دیده است.

ششم حلبی در سیره حلبیه جلد دوم صفحه ۳۰۰ می‌گوید: راعی اذان منحصر در زید و عمر نبوده است، بل ادعا ابوبکر انه ایضاً رأى نفس ما رأيا و این بیان فضیلت تراشی برای خلفاست و برخی هفت نفر از انصار را نیز اضافه کرده اند. و قيل اربعة عشر کلهم ادعوا انهم رأوا فی الرؤيا الاذان.

و قصد گرفتن فضیلت مختص امیر المومنین علیه السلام دارند.

بخاری و غیر بخاری اختلاف نقل دارند؛

بخاری؛ امر بلالا فی مجلس التشاور بالنداء للصلاة و عمر حاضر حین ثبوت الامر که از نقل فرزند عمر نقل می‌کند.

احادیث رؤیا در غیر بخاری: امر بلالا بالنداء اذ قص علیه زید الرؤیا

در هر صورت این تعبیر تشویش دارد.

مناقشه در اسانید روایات اهل سنت

از صفحه ۱۴۰ کتاب الانصاف فی مسائل دام فیها الخلاف جلد اول آیت الله سبحانی مطرح می‌کنند.

از جمله آنها؛

روی ابو داوود (متولد ۲۰۲ و متوفای ۲۷۵ است که سنن وی یکی از شش کتاب حدیثی سنی هاست) حدثنا عباد بن موسی الختلی و زیاد بن ایوب و حدیث عباد اتمّ قالاً حدثنا حشیر عن ابی بشر قال زیاد اخبرنا ابو بشر عن ابی عمیر بن انس عن عمومه له من الاصحاب قال: اهتم النبي للصلاة كيف يجمع الناس لها فقليل له؛ انصب رايه عند حضور الصلاة و برخی شیپور را گفتند و برخی ناقوس را گفتند و عبد الله بن زید خواب خود را تعریف کرد.

عده ای از مجاهیل در این روایت هستند.

اولا اصحاب چه کسانی هستند؟ ثانیاً قول صحابی حجت نیست. جمال الدین در تهذیب الکمال: ما حدث به فی الموضوعین رؤیه الهلال و الاذان جمیع ما له عندهم.

ابو جعفر عقیلی عن عبد الله بن احمد حنبل سالت ابی و ذکر محمد بن ابراهیم التیمی المدنی که در سند روایات است قال فی حدیثه شیء یروی احادیث مناکیر (غیر قابل پذیرش) او احادیث منکره.

محمد بن اسحاق بن یسار بن خیار فان اهل السنه لا یحتجون بروایاته و سپس می فرماید: لیس ذلک بقوی عندی سقیم و غیر ذلک. و ایشان بحثی را دارند و بر مبنای رجالی اهل سنت آنها را رد می کنند.

پس روایات آنها سنداً و دلالتاً مشکل دارد بعلاوه اینکه در مکتب اهل بیت علیهم السلام کیفیت اذان به گونه ای است که با نقل اهل سنت متفاوت است.

روایات اذان در غیر کتب شش گانه

آنچه که احمد در مسند خویش آورده است، روی الاحمد: رؤی الاذان فی مسنده عن عبد الله بن زید باسانید ثلاثه در سند اول زید بن هباب بن ریان تمیمی است که خود اهل سنت آن را کثیر الخطا می دانند (له احادیث تستغرب). روایت دارمی در مسند همینطور، روایت امام مالک در موطنی همینطور، ابن سعد در طبقات همینطور که چهار نحو با نقل های ضعیف نقل کرده است، بیهقی در سنن الی آخر. پس آنچه در مدارک سنی است قابل پذیرش نیست.

اما در جلسه بعد کیفیت و زمان حذف حی علی خیر العمل را مطرح می کنیم و اینکه خیر العمل چه چیزی است.